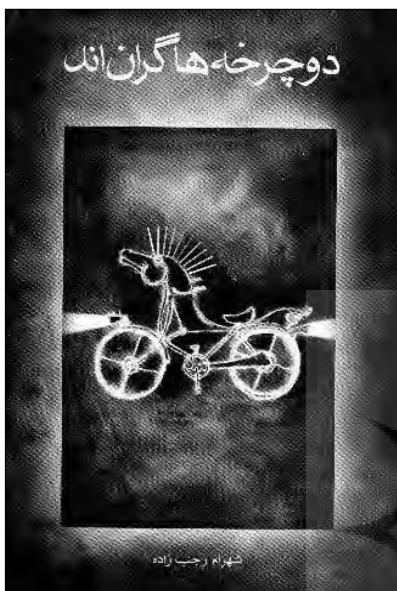


دو چرخه‌ها گراند



اکرمی: آقای رجب‌زاده، شما بیشتر از کارهای کدام شاعرها تأثیر گرفته‌اید یا در ذهن-تان آن‌ها را بیشتر مورد نظر داشتید؟

رجب‌زاده: این جمله معروف است که می‌گویند هر شاعری، هر نویسنده‌ای، هر هنرمندی متأثر از تمام هنرمندان و نویسندگانی است که پیش از خودش کار کرده‌اند. من هم از تمام شاعرها و نویسندگانی که پیش از خودم چیز یاد گرفتم، البته از میان شاعران معاصر، تعدادی را خیلی دوست دارم و به شخصه خیلی از کارهای-شان را یاد گرفته‌ام و خیلی هم در زندگی‌ام مؤثر بوده‌اند. یکی نیما است که شعرهایش واقعاً برایم عزیز است و سپهری و همین‌طور شاعران دیگری که دوستان همگی احتمالاً به کارهای‌شان علاقه دارند؛ مثل فروغ، شاملو، اخوان ثالث تا شعری نسل‌های بعد. از شاعران نسل کهن هم تقریباً اغلب شاعران کهن را دوست دارم و از آن‌ها هم بسیار بسیار آموخته‌ام و فکر می‌کنم یکی از مهم‌ترین وظایف ما اهل قلم، این است که با پیشینه خودمان ارتباط قوی و محکمی برقرار کنیم و

اکرمی: سلام و روز همه شما به خیر. در یکی از روزهای خوب اردیبهشت ماه هستیم. من به آقای رجب‌زاده و آقای شیخ‌الاسلامی خوشامد می‌گویم.

کمی پای صحبت‌های آقای رجب‌زاده می‌نشینیم که از خودشان و کارهای‌شان بگویند و بعد هم با آقای شیخ‌الاسلامی و کارهای‌شان آشنا می‌شویم.

رجب‌زاده: مجموعه دو چرخه‌ها گراند، اولین مجموعه شعری است که برای نوجوانان منتشر و جمع و جور کرده‌ام. شعرهایش هم در دوره‌ای طولانی گفته شده است و من از بین این شعرها، بعضی‌هایش را برای این کتاب انتخاب کرده‌ام.

اولین شعری که در این مجموعه آمده، تقریباً ۱۷ سال پیش سروده و آخرین آن هم در همان سال انتشار، یعنی سال ۱۳۸۰ نوشته شده است. کار اصلی‌ام شعر و نوشتن درباره شعر و نقد شعر و این جور چیزهاست، منحصراً هم شعر نوجوان کار نمی‌کنم و فقط بخشی از کارم شعر نوجوان است.





- رجب‌زاده:
- بد نیست نگاهی تاریخی هم
- به این مجموعه بکنیم.
- من انتخاب شعرها و قید تاریخ
- در آن شعرها را هم
- به این دلیل گذاشتم
- که وقتی من این شعرها را می‌گفتم،
- به خیال خودم تازه بود،
- ولی امروز خیلی مشابه
- این شعرها را خوانده‌ایم.
- شعرهای من چاپ نشده بود
- به عنوان یک مجموعه،
- ولی در مجلات ویژه نوجوانان
- آن سال‌ها چاپ شده بود
- و به خیال خودم تأثیری هم داشته؛
- از جمله تأکیدش روی
- طیف دوستان شاعران ما بوده
- که بعضی‌های آن‌ها
- تغییراتی در فضای
- شعری‌شان دادند

شاعر امروز، به صرف این که حرف‌هایش حرف امروز است، نمی‌تواند خودش را از گذشته خودش جدا کند و ما هم از شعر کهن‌مان، به هیچ ترتیب جدایی نداریم. حافظ در صدر شاعران کهن ماست و بر همه و به طور اخص بر خود بنده هم خیلی تأثیر نداشته و تأثیرش در حدی است که ما نمی‌توانیم بگوییم من از حافظ تأثیر پذیرفته‌ام. حافظ شاعر است، همیشه در کنار همه ماست و بر زندگی و تفکر و شکل‌گیری شخصیت ما اثر داشته.

هم‌چنین، شاعران دیگری مثل مولانا جلال‌الدین محمد بلخی که شعر و اندیشه‌اش، برایم خیلی عزیز است. من حتی از شاعری مثل رودکی، خیلی چیز آموختم و هم‌چنان زبان این شاعر که به نوعی پدر شعر فارسی شناخته شده است، برای من دوست داشتنی و ارجمند است. از بیدل دهلوی هم می‌توانم یاد کنم که واقعاً در نگاه به مضمون، خیلی به آدم نگرش می‌دهد. از شاعران دیگر هم چیزی دارم و قطعاً از همه شاعرانی کهن و امروز، تأثیری در کارم باید باشد. شیخ‌الاسلامی: شیخ‌الاسلامی هستیم. من متقدم.

اکرمی: آیا حوزه کاری شما بیشتر نقد است؟ شیخ‌الاسلامی: بله. حدود ۵ یا ۶ سال است که کار نقد ادبیات کودک می‌کنم و کارهایم به صورت ثابت در کتاب ماه کودک و نوجوان چاپ می‌شود. بیشتر کارهایم نیز در حوزه ادبیات کودک است. البته منحصر به ادبیات کودک نمی‌شود، ولی حداقل از نظر حجم، بیشتر کارهای چاپ شده‌ام، به این حوزه مربوط بوده.

مریم عراقی: بعضی از اشعار آقای رجب‌زاده، مثلاً آن شعری که در مورد مادر بود که پای چرخ خیاطی نشسته، تکراری به نظر می‌رسد. موسیقی شعرشان خیلی خوب بود و کلاً نکات مثبت بسیاری داشت و به راحتی با من ارتباط می‌گرفت.

صبا میرابوالفتحی: به نظر من و نظر دوستانم، این کتاب، کتاب نوجوان نیست. شعرها بیشتر زیر تأثیر شعر آقای قیصر امین‌پور است. زبان به کاررفته در شعرها طوری است که بیشتر مناسب بچه‌های ۱۰ تا ۱۲ ساله است.

آیدا صاحبی: زبان این شعرها خیلی خوب است و می‌توانم خیلی خوب با آن ارتباط برقرار کنم. حتی می‌توانم برای خودم دنیایی از شعر

بسازم. من در شعر، دنبال احساسات شاعر اصلاً نمی‌گردم. به نظر من شاعری می‌تواند با استفاده از قافیه و ردیف، ارتباط بهتری با خواننده برقرار کند. الان من شاعری را که قابل می‌دانم، پروین اعتصامی است که خیلی هم شعرهایش را دوست دارم، ولی بیشتر نسل جوان و حتی خودم دنبال کتاب‌های مریم حیدرزاده هستیم. نمی‌دانم چرا دیگر کسی پروین اعتصامی یا سعدی و این‌ها را نمی‌خواند؟

ترانه‌شانه‌ای: آقای رجب‌زاده، فکر می‌کنم تنوع شعرهای شما کم باشد. همه درباره فقر است. البته بار اول که خواندم، از آن خوشم آمد، ولی نمی‌توانم برای بار دوم آن را بخوانم. فکر می‌کنم نباید مخاطب خودتان را دست کم بگیرید. این کتاب برای دانش‌آموزان دبیرستان، خیلی ساده است. زبانش خیلی خوب بود؛ یعنی ترکیب کلمات و جملات خیلی خوب بود، اما مهم‌تر از همه احساسات شاعرانه است.

سعیده صارمی: می‌خواستم بگویم که هم‌نسلان من از شعر روان بیشتر خوش‌شان می‌آید تا شعری که متن خیلی بزرگی داشته باشد. شعرهای آقای رجب‌زاده هم واقعاً ساده و روان بود، اما پایه و بنیان آن پایین بود و از لحاظ فهمیدن، ما این‌ها را خیلی راحت می‌فهمیم و برای بچه‌های ۱۰ ساله خیلی خوب است، ولی برای ما ساده است. پس نمی‌توان گفت شعر نوجوان است.

نازنین: این کتاب را وقتی باز کردم، با خواندن همان شعر اول فهمیدم برای ما سروده نشده است. من مثلاً شعرهای شاملو را که می‌خواندم، بعضی از آن‌ها را می‌فهمم. پس شعری نیست که مردم نتوانند آن را بفهمند. البته حتماً نباید آن‌قدر ساده گفته شود که هر کس آن را می‌خواند، بدون کم‌ترین تأمل و کوچک‌ترین فشار فکری آن را بفهمد، شعر باید طوری باشد که مردم را به فکر وادارد.

مریم عراقی: من با نظر بقیه مخالف هستم که این شعر سطح پایین است. به نظر من رده‌بندی سنی در ادبیات، خیانت به ادبیات است. به نظر من یک کودک ۸ و ۹ یا ۱۰ ساله نمی‌تواند فقر را درک کند. در حالی که ادبیات می‌تواند کاری کند که کودک متوجه این مسئله شود. پس کسانی که معتقدند ادبیات کودک و یا نوجوان اصلاً مهم نیست، اشتباه می‌کنند. شاعر از فقر می‌گوید،



من حالا می توانم فقر را حس کنم و می توانم درد پدری را که نمی تواند برای بچه اش کفش بخرد، حس کنم.

اکرمی: بد نیست حالا صحبت های آقای شیخ الاسلامی را بشنویم درباره این که واقعاً گروه سنی نوجوان امروز چه می خواهد و به طور کلی، نوجوانان امروز چه چیزی از شعر طلب می کنند؟

شیخ الاسلامی: خب، تعدادی نوجوان این جا هستند و خودشان خیلی ساده و روان، می گویند که از شعر چه می خواهند. البته نظرشان در مورد شعرهای آقای رجبزاده یک مقدار جای چون و چرا دارد.

من فکر می کنم بچه ها روی ۳ تا ۴ شعر از این مجموعه که موضوعش فقر بوده، تکیه کردند و به تحولی که در شعرهای بعدی آقای رجبزاده در این کتاب روی داده، دقت نکردند.

شما اگر شعر اول کتاب را با شعر آخر کتاب مقایسه کنید، آن موقع شاید خیلی راحت بگویید که شعر آخر، شعری برای نوجوان است. من تا امروز نمی دانستم که این مجموعه شعرهای ۱۷ ساله شان است. من به ایشان حق می دهم؛ چون اگر خودم یا حتی بقیه دوستان، ۱۷ سال پیش در مورد نوجوانان شعر می گفتیم، حتماً شعرمان با شعر امروز نوجوان فرق می کرد. در آن زمان، یعنی سال های ۶۷ و ۶۸، کشور ما شرایط خاصی داشت و نسل جوان و نوجوان ما هم در آن شرایط خاصی زندگی می کرد و موضوعاتی که شاید امروز به نظر شما خیلی ساده و پیش پا افتاده باشد و یا مثلاً کودکانه به نظر برسد، برای نوجوان آن موقع،

نه چیز ساده و پیش پا افتاده ای بود و نه دور از ذهن و این دغدغه آن روز ما بود.

اگر شما آن شعرها را مقایسه کنید با شعر آخر کتاب یا شعری که راجع به معیار است و دقت کنید

روی فنونی که آقای رجبزاده به کار برد در شعر و زبان یا استعاره ها و تشبیهاتشان، دیگر نمی

توانید بگویید که شعر خیلی ساده است و زبانش از سادگی رو به ابتذال می رود. در واقع، شما دارید

شعر آقای رجبزاده را متهم می کنید که آن قدر ساده است که به سوی ابتذال و ساده گویی مفرط

پیش می رود. در حالی که اگر با دید منصفانه و دقیق تر به آن نگاه کنیم، متوجه می شویم که آقای

رجبزاده، از فنون ادبی خیلی خوب استفاده کرده است. مثلاً همین سطر اول شعر آخر ایشان،

یعنی «خواهرم یک هفته پیش، اسم خود را پای فهرست بلند مردم دنیا نوشت»، هم یک ایماژ

خیلی خوب دارد و هم این که تطایع اضافات، خیلی جاها مثل این جا، باعث قشنگی شعر می

شود و یک صنعت است که خوب به کار گرفته شده. هم چنین، تصویر هندی خیلی خوبی از به

دنیا آمدن یک بچه دارد. فکر نمی کنم این ایماژ را یک کودک ۸ ساله بتواند درک کند. کودک ۸ ساله،

یک کودک اول یا دوم دبستان است و طبیعی است که نمی تواند بفهمد.

این شعر به عنوان یکی از پخته ترین شعرهای این مجموعه، نه آن قدر پیچیده است که

بگوییم شعر نوجوان نیست و نه آن قدر ساده است که بگوییم شعر کودک است و از طرفی، شعر خیلی

خوبی است. من پیشنهاد می کنم که این شعر را به عنوان یک شعر خوب نوجوان سال های اخیر،

شیخ الاسلامی:

سطر اول شعر آخر ایشان،

یعنی «خواهرم یک هفته پیش،

اسم خود را پای فهرست بلند

مردم دنیا نوشت»،

هم یک ایماژ خیلی خوب دارد

و هم این که تطایع اضافات،

خیلی جاها مثل این جا،

باعث قشنگی شعر می شود

و یک صنعت است که

خوب به کار گرفته شده.

هم چنین، تصویر هندی

خیلی خوبی از به دنیا آمدن

یک بچه دارد.

فکر نمی کنم این ایماژ را

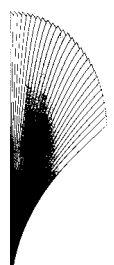
یک کودک ۸ ساله بتواند درک کند.

کودک ۸ ساله،

یک کودک اول یا دوم دبستان است

و طبیعی است که

نمی تواند بفهمد



پروین حزین:

دوباره بخوانید و روی آن تأمل کنید. فکر می‌کنم نظرتان یک مقدار تعدیل شود.

بد نبود که آقای رجب زاده،

یکی از دانش آموزان: درست است که بعضی

این توضیحاتی را

از این شعرها ۱۷ سال پیش گفته شده، ولی یک شعر خوب شعری است که در زمان‌های بعد هم اثر داشته باشد.

که در مورد تاریخ سرایش شعرها

و مسائل دیگر دادند،

توی مقدمه‌ای می‌نوشتند

و اول کتاب می‌گذاشتند.

شیخ الاسلامی: پیشنهادم این است که شما شعر را برای شعر بخوانید. من قبول دارم که دغدغه هیچ کدام از شما فقر نیست، این شعرها بر ما خیلی تأثیر می‌گذارد.

اگر این مقدمه را خواننده می‌خواند،

خیلی او را روشن می‌کرد

مرجان چمنی: شعر باید طوری باشد که وقتی مخاطب آن را می‌خواند، خودش را در آن محیط حس کند و دچار همان حس شود که شاعر در لحظه سرودن شعر داشته.

و شاید نظرها را خیلی تغییر می‌داد.

من نظر شما را در مورد سادگی

قبول دارم.

یکی از دانش آموزان: من با نظر آقای شیخ الاسلامی مخالف هستم. برای این که به تصویر کشیدن فقر خیلی جالب بود. من خودم از شعر مادر خیلی خوشم آمد، ولی باید تنوع آن بیشتر باشد و در ضمن، مخاطب شعر واقعاً مشخص باشد. قیاس کردن شعر آقای رجب زاده با شعر شاملو هم به نظرم درست نیست.

سادگی تا زمانی که بتواند

ارتباط برقرار کند،

زیباست و بهترین راه

برقراری ارتباط،

سادگی است

آقای شاملو شعر سیاسی می‌گوید و فکر می‌کنم که شعر آقای رجب زاده باید با شعر دیگر شاعران نوجوان مقایسه شود.

اکرمی: در این کتاب، شعرهایی در قالب نیمایی، چارپاره، غزل و مثنوی آمده است. سؤال این است که بیشتر با نیازهای شما تطابق دارد؟ بد نیست راجع به گونه‌های شعر هم صحبت

کنیم.

فائزه نوری زاده: می‌خواهم از آقای رجب زاده،

سؤالی بپرسم که نوجوان برای شما، به چه صورت تعریف می‌شود؟

رجب زاده: نوجوانی، دامنه سنی وسیعی را

در برمی‌گیرد که از ۱۲ تا ۱۷ سالگی را شامل می‌شود. این کتاب من با این که ۱۰ شعر بیشتر ندارد، در همین محدوده قرار می‌گیرد. بعضی از شعرها ممکن است برای ۱۷ ساله‌ها مناسب باشد و بعضی برای ۱۲ ساله‌ها. تعدادی هم شاید در بینابین این دو قرار داشته باشند.

من قصد پاسخ دادن ندارم و هدفم از حضور در این جلسه، آن بود که با مخاطبم رودر شوم و نظرش را خیلی سراسرت و قاطع بشنوم که خوشبختانه به هدفم رسیده‌ام. اما حس کردم که انگار دوستان می‌خواهند یک باره، روندی را که در طول سال‌ها شکل گرفته، کاملاً عوض کنند. چنین چیزی واقعاً امکان‌پذیر نیست.

اگر واقعاً قصدتان این بوده که بیاید این جا و یک روندی را تغییر دهید، خیلی قصد بزرگی بوده.

نیوشا قندهاری: به نظر من سادگی شعرهای آقای رجب زاده، باعث می‌شود بهتر بتوانیم با آن ارتباط برقرار کنیم. فضاها و تصویرها طوری بود که من به راحتی می‌توانستم در ذهنم تجسم کنم. البته بعضی شعرها، پایین‌تر از سن ما هستند و برای نوجوان ۱۷ سال پیش گفته شده که با من خیلی فرق می‌کرد. سلیقه و توقعات آن نوجوان، با سلیقه و توقعات نوجوان امروز همخوانی ندارد.



سطح در این شعرها وجود دارد: هم به لحاظ گروه سنی و هم به لحاظ سطح ارزش هنری شعرها، ویژگی‌های زبانی و... البته قصه من این نبوده که هر شعری را که گفته بودم، چاپ کنم. اگر این طور بود، مجموعه بزرگ‌تری می‌شد. هم چنین، غرض این نبوده که نوجوان امروزی بتواند نوجوان ۱۷ سال پیش را تصور کند. در عین حال که شاید چنین هدفی بتواند در نظر گرفته شود. شعر در زمانی که سروده می‌شود، اگر شاعر با خودش صمیمی باشد، قصدش این است که مرز زمان را درهم بشکند و محصور نماند در یک دوره زمانی ویژه.

البته عمر بسیاری از شعرها خیلی کوتاه است و عمر بعضی شعرها دراز و بعضی شعرها این توانایی را دارند که قرن‌ها دوام بیاورند و حتی ابدی شوند.

● رجب‌زاده:

- من هم با شما که اعتقاد دارید بعضی از این شعرها از سن شما پایین‌تر است؛ موافق هستم.
- البته اختلاف نظر هم وجود داشت. یک شعر را یکی از دوستان گفت ساده است و یکی دیگر گفت که از این شعر خوشم آمد و بآن ارتباط برقرار کردم. اگر اشتباه نکنم، چنین اختلاف نظری در مورد شعر مثل آواز چشمه‌ها که در مورد مادری بود که خیاطی می‌کند، وجود داشت. حالا من سؤال می‌کنم که دوستان دبیرستانی ما، این غزل کشتزار شادی‌ها را متعلق به چه گروه سنی می‌دانند؟ آیا به نظر شما این غزل که با مطلع «چشم‌های ما دریاست مقصد قدم‌هامان دشت-های ناپیداست»، شروع می‌شود، یک شعر کودکانه است؟
- خودتان می‌دانید که نوجوانی، یک سن مشخص نیست که ما بتوانیم اسم ۱۷ سالگی را بگذاریم نوجوانی و بگوییم ۱۵ یا ۱۲ سالگی نوجوانی نیست. ما به یک فرد ۱۲ ساله نمی‌توانیم بگوییم کودک؛ چون او وارد دنیایی شد که شمایی که ۱۶ و ۱۷ ساله هستید هم در آن دنیا به سر می‌بردید. به هر حال. ما با طیف نوجوان روبه‌رو هستیم. برای نمونه، اشاره می‌کنم به دوستانی که شعرهای این مجموعه را نقد کردند. بعضی از دوستان، معتقد بودند که شعر کشتزار شادی‌ها به درد این مجموعه نمی‌خورد؛ چرا که بزرگسالانه است و اصلاً ربطی به نوجوانان ندارد. پس ما با طیفی مواجه هستیم که بعضی از آن‌ها اعتقاد دارند که این شعرها بزرگ‌تر از سن مخاطب است

حتماً نظریات آقای رجب‌زاده هم در حال حاضر، خیلی با نظریات آن سال‌هاشان فرق کرده است. یکی از دانش‌آموزان: اگر این شعرها که مال ۱۷ سال پیش است، نگاه و دیدی در ما ایجاد کند که به شناختی از یک جوان ۱۷ سال پیش برسیم، اصلاً بد نیست و خوب است که ما در مورد نسل‌های گذشته، اطلاعاتی داشته باشیم.

یکی از دانش‌آموزان: این طور هم نبود که همه حرف‌های‌شان، فقط مختص ۱۷ سال پیش باشد. خیلی چیزهای آن برای امروز است. مثلاً همین قضیه ماه رمضان و سفره افطار، چیزی نیست که مختص ۱۷ سال پیش باشد.

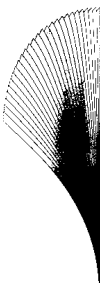
یکی از دانش‌آموزان: گفتیم می‌تواند ما را با نسل گذشته‌مان آشنا کند. در ضمن، شعرهای آقای رجب‌زاده این طور نیست که مخاطبش فقط نوجوانان باشند. من خودم این شعر را برای اشخاص بزرگ‌تر از خودم هم خواندم و آن‌ها هم واقعاً لذت بردند. برای این که با زبان ساده و روان گفته شده و این خیلی قشنگ است.

یکی از دانش‌آموزان: این شعرها برای آدم‌های بزرگ‌تر باید بهتر به نظر برسد؛ چون این‌ها نوجوان‌های آن زمان بودند.

اکرمی: ما به دو موضوع پی می‌بریم که این شعر مال زمان خودش است و نظر دیگر این که در زمان‌های دیگر هم حرکت می‌کند.

فازنه فرهادی: شعر آقای رجب‌زاده، دقیقاً رشد کارش را نشان می‌دهد. هر چه به این شعرهای آخر نزدیک‌تر می‌شویم، می‌بینیم که خیلی بهتر می‌تواند با بچه‌ها ارتباط برقرار کند؛ مثل شعر شادی کشتزارها که زیبا بود و درباره زندگی صحبت می‌کرد و من آن را پسندیدم و همین‌طور آخرین شعرش آرزو و هر چه برمی‌گردیم به اول کتاب، شعرها زبان ساده‌تری پیدا می‌کند. به نظر من بچه‌ها شعرهای پیچیده را بیشتر می‌پسندند و می‌خواهند چند بار بخوانند تا بتوانند درکش کنند. این شعرها آن پیچیدگی را نداشته، ولی به آخرین شعرها که می‌رسیم، پیچیده‌تر می‌شود و مورد پسندتر از شعرهای اول کتاب است.

رجب‌زاده: من تشکر می‌کنم که این طور صریح، نظرتان را می‌گویید. برای من خوشایند است و در کارم تأثیر دارد. این صحبت‌هایی که شما می‌کنید، چیزی نبوده که به آن فکر نکرده باشم. بسیاری از آن‌ها را قبول دارم. مثلاً تفاوت





فائزه فرهادی:

هر چه به این شعرهای آخر

نزدیک‌تر می‌شویم، می‌بینیم که

خیلی بهتر می‌تواند با بچه‌ها

ارتباط برقرار کند؛

مثل شعر شادی کشتزارها

که زیبا بود و درباره زندگی

صحبت می‌کرد و من آن را پسندیدم

و همین‌طور آخرین شعرش آرزو

و هر چه برمی‌گردیم به اول کتاب،

شعرها زبان ساده‌تری پیدا می‌کند.

به نظر من بچه‌ها شعرهای پیچیده را

بیشتر می‌پسندند و می‌خواهند

چند بار بخوانند تا بتوانند

درکش کنند. این شعرها

آن پیچیدگی را نداشته،

ولی به آخرین شعرها که می‌رسیم،

پیچیده‌تر می‌شود و مورد پسندتر از

شعرهای اول کتاب است

آیدا صاحبی:

زبان این شعرها خیلی خوب است

و می‌توانم خیلی خوب با آن

ارتباط برقرار کنم.

حتی می‌توانم برای خودم

دنیایی از شعر بسازم.

من در شعر، دنبال احساسات شاعر

اصلاً نمی‌گردم. به نظر من شاعر

می‌تواند با استفاده از قافیه و ردیف،

ارتباط بهتری با خواننده برقرار کند.

الان من شاعری را که قابل می‌دانم،

پروین اعتصامی است که

خیلی هم شعرهایش را دوست دارم،

ولی بیشتر نسل جوان و حتی خودم

دنبال کتاب‌های مریم حیدرزاده

هستیم. نمی‌دانم چرا دیگر کسی

پروین اعتصامی یا

سعدی و این‌ها را نمی‌خواند؟

و بعضی اعتقاد دارند که کوچک‌تر از سن مخاطب است و خود من اعتقاد دارم که هر دوی آن‌ها درست می‌گویند بعضی از این شعرها به یک سر طیف نوجوانی نزدیک است.

از طرفی، بد نیست نگاهی تاریخی هم به این مجموعه بکنیم. من انتخاب شعرها و قید تاریخ در آن شعرها را هم به این دلیل گذاشتم که وقتی من این شعرها را می‌گفتم، به خیال خودم تازه بود، ولی امروز خیلی مشابه این شعرها را خوانده‌ایم. شعرهای من چاپ نشده بود به عنوان یک مجموعه، ولی در مجلات ویژه نوجوانان آن سال‌ها چاپ شده بود و به خیال خودم تأثیری هم داشته؛ از جمله تأکیدش روی طیف دوستان شاعران ما بوده که بعضی‌های آن‌ها تغییراتی در فضای شعری‌شان دادند. بنابراین، شاید می‌خواستیم به منتقدی که می‌خواهد در ترسیم فضای عمومی شعر نوجوان ما در این بیت و چند مسأله کار کند، کمکی کرده باشیم. چرا؟ چون حلقه‌های مفقوده همیشه باعث می‌شود تهدیدی که از یک جریان ادبی داریم، ناقص باشد.

بعضی از دوستان اشاره کرده بودند که بعضی شعرهای این مجموعه را برای بزرگ‌ترها خواندند و آن‌ها هم خوششان آمده و بعضی‌ها گفتند که اصلاً قید شعر نوجوان را روی این شعرها نمی‌زنیم تا این شعر مخاطب خودش را از کودک و نوجوان و بزرگسال بتواند پیدا کند. شاید مقصود من هم به نوعی این بوده. آرمان من به عنوان کسی که کار هنری می‌کند، این است که بین گروه‌های سنی متفاوتی که علی‌القاعده باید کاملاً از هم فاصله داشته باشند، پیوندی ایجاد شود و این مرزها در هم بشکند. اثر هنری اگر خوب باشد، می‌تواند از حد و حدود سنی فراتر برود. امکان دارد برای گروه سنی پایین هم سروده شود، یک بزرگسال خیلی جا افتاده هم، از آن خوشش بیاید.

یکی از دوستان گفت که شعرها چندان متنوع نبودند که من هم این را می‌پذیرم. این مجموعه به لحاظ تم، موضوع و محتوا مجموعه کم تنوعی است و ناشی از محدودیت‌ها و نگاه خود من بوده در این دوره، نظرم این است که اگر فضای دیگری را بخواهم تجربه کنم، تجربه فقط صرفاً به قصد ایجاد تنوع نبوده و درونی شده باشد. در واقع، نمی‌خواهم به صورت مکانیکی و

کلیشه‌ای، فضای شعرم عوض کنم. اما مقوله سادگی که همه دوستان روی آن تکیه داشتند، باید بگویم که با عرض پوزش، من روی سادگی اصرار دارم و به سادگی خیلی اعتقاد دارم.

گفتم از شعر رودکی خیلی چیزها یاد گرفته‌ام. شعر رودکی را پس از هزار سال، هنوز می‌خوانیم و فکر می‌کنیم ساده است: «مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود...»

فکر می‌کنم سادگی، پدیده پیچیده‌ای است. سادگی و رسیدن به سادگی، آن قدرها هم ساده نیست. اگر من نتوانستم به این مفهوم سادگی دست یابم، اشکال از من است، نه اشکال از سادگی. ایراد این است که نتوانستم به آن نوع سادگی که قدیمی‌ها به آن می‌گفتند سهل‌ممتنع، دست پیدا کنم.

یکی از حضار: من کتاب را همین حال دیدم و متوجه خیلی از مسائل شدم. می‌خواهم در فکرتان فضای جدیدی باز کنم. این که مال کدام گروه سنی یا زبانش چگونه است، این‌ها همه جای خودشان را دارند، اما باید ببینیم شاعر چه می‌خواهد بگوید و منظورش چیست؟ آقای رجب زاده در این کتاب، مقدار زیادی از دردها را می‌گوید. من یک سوآلی از همه شما دارم. عنوان این کتاب چنین است: «دو چرخه‌ها گرانند». می‌خواهم بپرسم آیا هنوز هم دو چرخه‌ها گران هستند یا خیر؟ خیلی‌ها هنوز هم نمی‌توانند دو چرخه بخرند؛ یعنی درد جامعه هنوز هم ادامه دارد.

پروین حزین: بد نبود که آقای رجب زاده، این توضیحاتی را که در مورد تاریخ سرایش شعرها و مسائل دیگر دادند، توی مقدمه‌ای می‌نوشتند و اول کتاب می‌گذاشتند. اگر این مقدمه را خواننده می‌خواند، خیلی او را روشن می‌کرد و شاید نظرها را خیلی تغییر می‌داد. من نظر شما را در مورد سادگی قبول دارم. سادگی تا زمانی که بتواند ارتباط برقرار کند، زیباست و بهترین راه برقراری ارتباط، سادگی است.

آیدا صاحبی: من هم سادگی زبان شعر را یک امتیاز مثبت می‌دانم.

اکرمی: ما این جا آمدیم که فقط با هم حرف بزنیم و می‌خواهیم توان این را داشته باشیم که صحبت‌های همدیگر را بشنویم. از آقای رجب زاده، شیخ‌الاسلامی و تمام بچه‌هایی که در این جلسه شرکت کردند متشکریم. خدا نگهدار.